

ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در حقوق کیفری نوین

شهرزاد خواجه غیائی



انتشارات رازنهان

۱۳۹۶

سرناسه	خواجہ غیاثی، شہزادہ، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	ظہور حقوق کیفری امنیت مدار در حقوق کیفری نوین / مولف شہزاد خواجہ غیاثی
مشخصات نشر	تہران: راز نہان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاہری	۱۲۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۴۸-۱۵۶-۴
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	حقوق جزا - ایران
موضوع	Criminal law -- Iran
موضوع	اجرای عدالت کیفری - ایران
موضوع	Criminal justice, Administration of -- Iran
موضوع	جرم شناسی - جنبہ های اجتماعی
موضوع	Criminology -- Social aspects
موضوع	جرم و جنایت - پیشگیری
موضوع	Crime prevention
موضوع	امنیت داخلی - ایران
موضوع	Internal security - Iran
ردہ بندی کنگرہ	۹۶ ۸ظ۹۰۰۰ KM۳۸۰۰
ردہ بندی دیویی	۳۴۵/۵۵
شمارہ کتابشناسی ملی	۴۶۷۵۰۰

آدرس: میدان انقلاب، بل جمال زاده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۱۲، واحد ۲

شماره تماس: ۰۲۱۶۶۰۱۸۴۱ - ۰۹۱۲۲۳۳۰۲۶۹

آدرس الکترونیکی: raznahanbook@gmail.com

آدرس سایت: www.raznahanbook.com



عنوان کتاب.....	ظہور حقوق کیفری امنیت مدار در حقوق کیفری نوین
مؤلف.....	شہزاد خواجہ غیاثی
صفحہ آرا.....	مریم رحیمی
طراح جلد.....	کتانہ کیہان
ناشر.....	رازنہان
شمارگان.....	۱۰۰۰ نسخہ
نوبت چاپ.....	اول ۱۳۹۶
قیمت.....	۹۶۰۰ تومان

ISBN: 978-600-448-156-4

فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۱۹	فصل اول کلیات مفهوم حقّرة (کیفری و بشری)
۱۹	مفهوم حقوق کیفری
۲۰	امری بودن
۲۲	حاکمیتی بودن
۲۴	کیفرگرا بودن
۲۵	مفهوم سیاست جنایی و اقسام آن
۲۵	مفهوم سیاست جنایی
۲۵	الف : تعریف موسع
۲۶	ب : تعریف مضیق
۲۷	اقسام سیاست جنایی
۲۷	الف : سیاست جنایی تقنینی
۲۷	ب : سیاست جنایی قضایی
۲۸	ج: سیاست جنایی اجرایی
۲۹	حقوق بشر
۲۹	تعریف حقوق بشر

۳۰		خاستگاه حقوق بشر
۳۲		اعلامیه جهانی حقوق بشر
۳۳		حقوق بنیادین بشر
۳۵		پیشینه حقوق کیفری امنیت مدار
۳۷		فصل دوم مقررات کیفری در حقوق شکلی و ماهوی
۳۷		حقوق کیفری شکلی
۳۹		حقوق کیفری ماهوی
۴۰		گفته امنیت گرای
۴۱		قواعد حقوق بشری بین الملل
۴۲		تأثیر پذیری
۴۷		فصل سوم کلیات سیاست جنایی امنیت محور در حقوق ایران
۴۷		سیاست جنایی امنیت محور در حقوق کیفری
۴۸		سلب آزادی پیشگیرانه
۵۵		جرم تبانی
۵۸		افساد فی الارض
۶۱		علل گرایش به سیاست کیفری امنیت مدار
۶۲		شکست سیاست اصلاح و درمان
۶۳		تحولات کمی و کیفی بزهکاری
۶۴		از بزه دیده محوری تا بزه دیده فریبی
۶۵		اهداف سیاست جنایی امنیت مدار
۶۵		کنترل جرم و سلب توان بزهکاری
۷۰		جایگزینی ادله پیش زمینه
۷۱		معکوس شدن بار اثبات
۷۳		فصل چهارم بررسی مفهوم سیاست کیفری امنیت مدار در حمایت از محورهای سه گانه
۷۳		علل عدم اتخاذ سیاست کیفری امنیت مدار و اتخاذ رویکرد کرامت محور
۷۴		حمایت از کرامت انسانی

۷۵	ممنوعیت جرم انگاری در فضای آزاد رفتاری
۷۶	نمودهای سیاست کیفری کرامت محور
۷۶	ممنوعیت مجازات های نامتناسب
۷۸	فرض بی گناهی متهم
۷۹	حق برخورداری از مهلت معقول
۸۰	تضمینات ترمیمی بازداشت شدگان بی گناه
۸۷	فصل پنجم بررسی آثار سیاست کیفری امنیت مدار بر حقوق کیفری ماهوی
۸۷	آثار سیاست کیفری امنیت مدار بر حقوق کیفری ماهوی
۸۷	سیاست زدگی در جرم انگاری
۹۱	توره کیفر
۹۳	آثار سیاست کیفری امنیت مدار بر حقوق کیفری شکلی
۹۴	تاثیر امنیت گرایان بر حقوق کیفری شکلی (موازن دادرسی منصفانه)
۹۸	به کارگیری ادله نامتعارف در اثبات اتهام
۱۰۳	صلاحیت ویژه
۱۰۷	کلام پایانی

پیشگفتار

امروزه، امنیت در شمار اصلی ترین ارزشهایی است که انسان اجتماعی و ایدئولوژیهای سازمان دهنده تفکر و شیوه عمل انسان، برای ایجاد و تضمین آن برنامه ریزی و از ابزار حقوق کیفری برای تنظیم نوع و چگونگی واکنش در قبال نقض آن بهره می برند. در دهه های اخیر مفهوم امنیت در حقوق کیفری اهمیت یافته و روند حقوق کیفری به سمت امنیتی شدن پدید آمده است.

ابزار حق برای برقراری نظم اجتماعی، قانون است. قانون است که به افراد دستور می دهد که چگونه رفتار کنند و به آنها هشدار می دهد که سرپیچی از قانون بی پاسخ نخواهد ماند. پاسخهای قاطع به قانون شکنان متفاوت است. اما شدید ترین پاسخ، عکس العملی است که حقوق کیفری در قالب مجازات در برابر نقض قوانین از خود بروز می دهد. نقض قانون از طریق ارتکاب جرم، آماج امنیت و نظم اجتماع را به چالش می کشد و حقوق کیفری برای باز گرداندن آرامش، مجرم را کیفر می دهد. گرچه به کار گرفتن قانون و کیفر برای برقرار ساختن نظم و امنیت در حالت ضروری می نماید، اما امنیت همه چیز نیست. انسان برای رسیدن به سعادت و رضایت نفسی علاوه بر امنیت، به آزادی نیز نیاز مبرم دارد. انسان آزاد آفریده می شود و هیچ چیز بیشتر از اساس آزادی به وی آرامش نمی بخشد و دستیابی به امنیت به قیمت قربانی نمودن آزادی برای انسان خوشایند نیست. در واقع آزادی و امنیت دو بال پرواز سعادت و خرسندی بشر است که هر یک به تنهایی توان رساندن انسان به سر منزل مقصود را ندارند. آزادی بدون امنیت به هرج و مرج منجر خواهد شد و امنیت، بدون آزادی، به خفقان و سرکوب خواهد انجامید. به همین دلیل بوده که بسیاری از متفکران تلاش کرده اند که بین این دو مفهوم توازن برقرار کنند. توازنی که در ابتدای پاگرفتن حقوق چندان به سود آزادی ها نبود و به علت نگاه منفی و غیر انسانی به انسان و به عبارت بهتر، موضوعیت نداشتن انسان از یک سو و قدرت بلامنازع حکومتها از

سوی دیگر، آنچه اهمیت داشت پایدار ماندن قدرت و برقراری امنیت بود. با گذشت زمان و مطرح شدن افکار انسان گرایانه و نگاه به انسان به مثابه انسان، آزادی های وی نیز به رسمیت شناخته شد و قانون گذاران ملزم شدند که همچنان که در تصویب قوانین به برقراری امنیت می اندیشند، آزادی های فردی را نیز مد نظر قرار دهند. سیر متعادل شدن توازن بین آزادی و امنیت سالها در سایه افکار اندیشمندان ادامه داشته و به وضوح در قوانین و اسناد ملی و فراملی نمود پیدا کرده است.

بنابراین نیز به امنیت در همه زمینه ها نیازی زیربنایی و دیرپاست. فلسفه وجودی دولتهای مدرن هم ایجاد و تضمین امنیت ذکر شده است. بزهکاری یکی از تهدیدات جدی علیه امنیت می باشد. برای مبارزه با آن رویکردها و مکاتب مختلفی به وجود آمده است که تمرکز غالب این طریقه بردی ها و رویکردهای کیفری - جرم شناختی، علت شناسی جرم بوده است.

در واقع جرم شناسی به عنوان علمی که به بررسی علل و عوامل موثر بر وقوع جرم یا به تعبیری به مطالعه علمی پدیده مجرمیت، پرداخته، در طول حیات خویش ادوار مختلفی را پشت سر نهاده و متناسب با تحولات فکری و اجتماعی، تغییراتی چشمگیر یافته است. در یک تقسیم بندی کلی جرم شناسی در صد ساله اخیر سه رویکرد را تجربه کرده است: رویکرد نخست که به جرم شناسی گذار از اندیشه و مجرم به عمل جنایی مشهور شده به دنبال علت شناسی تجربی جرم و مجرمیت فرد است. رویکرد دوم در انتقاد اساسی به جرم شناسی و عدالت کیفری متأثر از آن، عمدتاً از اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح و به جرم شناسی واکنش اجتماعی مشهور شد. رویکرد سوم یعنی جرم شناسی عمل مجرمانه، با اعلام شکست سیاستهای بازپروری بزهکاری و پیشگیری از جرم، فعل مجرمانه را بدون توجه به ویژگی های شخصیتی، روان شناختی و جامعه شناختی مرتکب آن مطالعه می کند.

در ادامه جرم شناسی عمل مجرمانه، گرایشهای دیگری در چهارچوب عدالت کیفری در عمل معمول شده است. درواقع هرچه بیشتر به دوره های جدید تر نزدیک می شویم ملاحظه می کنیم که جرم شناسی از رویکرد علت شناسی خود دور شده و به سوی اهداف و روشهای متفاوتی روی می آورد. رویکردهای نوین به دنبال علت شناسی جرم و لزوماً اصلاح بزهکاران از گذر کیفر و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری و زیر سوال بردن عدالت کیفری نیستند، بلکه هدف اصلی آنها ارتقای امنیت بزه دیدگان بالقوه و جامعه از گذر طرد و منزوی کردن گروه های خطرناک مجرمان از جامعه است. دیدگاه جدید کنترل جرم که بزهکار را نه آلت فعل جامعه، بلکه کنشگری فعال که با آگاهی و محاسبه ارتکاب جرم را انتخاب کرده است می داند، باتوجه به معیار خطرناکی افراد، کنترل بزهکاری و مدیریت افراد یا گروه های رخط را به منظور تامین امنیت جامعه و مردم در اولویت قرار می دهد.

بدین ترتیب، ال دگرانی، رلتها برای تامین امنیت شهروندان و قربانیان بالقوه بزهکاری، محور مطالعاتی بعضی جرم شناسان را نیز متأثر کرده و آنان را به سمت مطالعات امنیت با تکیه بر برنامه ها و اقدام های کنشگر پلیسی - امنیتی سوق داده است. این تغییر رویکرد، آرایش و جهت گیری های سیاست جنایی را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است، چنان که تضمین امنیت حقوقی قضایی، یعنی رعایت حق و آزادی های شهروندان و نظم عمومی (حقوق کیفری امنیت مدار) قرار گرفته و پیشگام اجتماعی از بزهکاری به تدریج جای خود را به پیشگیری محدود کننده وضعی از جرم می دهد (جرم شناسی امنیتی).

در واقع مفهوم جرم شناسی امنیتی در برابر جرم شناسی هنجارمند قرار می گیرد. جرم شناسی هنجارمند، یعنی عبور دادن راهکارها و یافته های جرم شناسی از سنجه حقوق بشر برای وارد کردن آنها در حقوق کیفری. جرم شناسی امنیتی، علم پلیسی یا علم استراتژیک (راهبردی) یا جرم شناسی خطر، ریسک یا به عبارتی «جرم شناسی قانون و نظم»، یک گروه از مجرمین و جرایم را به این اعتبار که دشمن جامعه و خطرناک می داند برجسته و مشمول مقررات کیفری و رویکرد خاص در جرم شناسی می کند.

به نظر می رسد تقابل دو جرم شناسی هنجارمند و امنیتی، به نوعی حکایت از تقابل بین دو حق یعنی حق فرد و جامعه بر امنیت در مقابل مجرمین و حق فرد بر داشتن تامین در مقابل عوامل و نهادهای پلیسی - قضایی دارد.

در جرم شناسی امنیتی به طور عمده هسته فعال مجرمان مدنظر هستند. بزهکار به عادت، بزهکار مقاوم، بزهکار پایدار و مزمن تعابیری است که برای مجرم خطرناک در جرم شناسی امنیتی به کار می رود.

جرم شناسی امنیتی به جای مطالعه صرف شخصیت مجرم، به تحلیل ریسک و شاخص های ریسک تکرار جرم در فرد می پردازد. در اینجا تحلیل عوامل خطر ارتکاب جرم برای پیش بینی و برآورد میزان تحقق ریسک به منظور طرد فرد از جامعه و توان گیری از او انجام می شود. در این رویکرد، مجرم فردی خطرناک بوده و در نتیجه برای حفظ و استمرار امنیت جامعه، شایسته اخراج از جامعه و خنثی شدن است. بدین سان انسانیت مجرم (مجرم خطرناک) نادیده گرفته می شود. در واقع شاهد انسان زدایی از حقوق کیفری هستیم. از آنجایی که این جرم شناسی منجر به امنیت مدار نسبت به بعضی مجرمان آثار فراوانی بر سیاست کیفری کشورهای مختلف گذاشته است. تحت تاثیر گفتمان امنیتی در حوزه مطالعات جرم شناسی، باتورم قوانین کیفری به صورت یک بحران سیاست جنایی نظامهای مختلف را تحت تاثیر قرار داده است. این فزونی در تابشنگی قوانین نیز ریشه در سیاست ورزی داشته و پرتویی از گسترش نفوذ سیاست زلفان گذاری محسوب می شود. همچنین نظریه های امنیت مدارانه جرم شناسی با تاثیر بر بدین نوعی کارگزاران نظام عدالت کیفری و حقوق کیفری به بهانه تامین امنیت و مبارزه با بزهکاری از سیستم عدالت کیفری «اخلاق زدایی» می کند و بسیاری از مولفه های دادرسی عادلانه را نقض می کند. در حالی که باید توجه نمود که برقراری امنیت پایدار در جامعه در سایه رعایت موازین حقوق بشر و به رسمیت شناختن کرامت انسان محقق می شود.^۱

اما طی سالیان اخیر و به دنبال گسترش فعالیت های تروریستی از یک سو و پیشرفت فن آوری های نو و قرار گرفتن ابزار نوین بزهکاری در اختیار مجرمان از سوی دیگر، مجدداً گرایشهایی برای محدود ساختن آزادی ها و گسترش فضای امنیتی در میان سیاست گذاران کشورها به وجود آمده است. سیاستی که علی رغم عدم اقبال حقوقدانان و ابراز مخالفت اکثریت قریب به اتفاق آنان منجر به شکل گیری جهت گیری نوینی در حقوق کیفری نوین گردیده که از آن به عنوان " حقوق کیفری امنیت محور" یاد می شود. شکل جدید حقوق کیفری، با روی کارآمدن رویکردهای سرکوبگر مانند حقوق کیفری دشمن مدار و جنگ علیه تروریسم،^۱ حدودی حقوق کیفری کلاسیک و سازوکارهایش را به حاشیه رانده است.

عبور از محوریت های حقوق کیفری و توسل به راهکارهای فرا حقوقی با محوریت امنیت، موجب بروز پدیده ای به نام امنیت گرایی شده است. (امنیت گرایی تعبیری است که در سال های پایانی سده بیستم در زبان حقوقدانان افتاد) این امر با بحران های جرم و جنایت در دهه های آخر قرن بیستم و ورود جهان به هزاره سوم و با وقوع حملات ۱۱ سپتامبر با گفتمان جنگ طلبانه دشمن انگارانه عجین شده است.^۱

عمده گفتمان امنیت مدار پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا ایجاد گردید و این حوادث گرانیگاه تحولات حقوق کیفری در عصر گردیده است.